

حقوق تجارت

صلاحیت مدیرهای شرکت

اشخاصیکه بمدیري شرکت سهامی انتخاب میشوند باید يك عده سهامی را که بموجب اساسنامه مقرر شده دارا باشند و هرگاه در موقع انتخاب سهام مزبور را دارا نباشند باید قبل از تصدی بشغل خود آنها را تهیه و اسم خود را در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسانند والا دارای صلاحیت نبوده و نمیتوانند انجام وظیفه نمایند.

باتوجه بلفظ « باید » در ماده ۵۲ قانون تجارت بطور کلی تا اینکه مدیر یا تمام مدیرهای شرکت احراز صلاحیت نمایند یعنی سهام مقرر خود را در دفتر ثبت سهام شرکت ثبت نکنند اقدامات آنها بعنوان مدیر فاقد اثر قانونی بوده و باین مناسبت شرکت نمی تواند شروع به معامله کند.

تذکر این نقطه باوجود اینکه در قانون صراحتاً بآن اشاره نشده بی مورد نیست که مدیران شرکت باید سهام مذکور در ماده ۵۲ را که اصالتاً دارا باشند و اگر سهام باسم آنها در دفتر شرکت به ثبت رسیده باشد ولی در حقیقت متعلق بدیگری باشد کافی نخواهد بود چه منظور از داشتن سهام مذکور بطوریکه ماده فوق صراحت دارد تضمین خساراتی است که ممکن است ز عملیات اداری مدیرها متبرکاً یا منفرداً بر شرکت وارد شود و بهمین دلیل است که سهام مزبور باسم غیر قابل انتقال میباشد و طبق ماده ۲۵ غیر قابل انتقال بودن آنها باید بوسیله مهریکه روی آنها زده میشود معلوم شود.

گرچه مدیران مالک مطلق سهام مزبور بوده و از منافع آن مستفید میشوند باید آنها را در صندوق شرکت برای احراز صلاحیت و دیمه بگذارند.

وظایف مدیرهای شرکت

وظیفه هرمدیري در شرکتهای سهامی اداره کردن شرکت و مراقبت در حسن جریان اداری و تجارتي آنست که حدود کلی آن بموجب اختیاراتی که مشارالیه تقدیم شده معلوم و مشارالیه مکلف است مطابق عرف تجارت بهر عملی که برای اداره کردن شرکت لازم است اقدام نماید علاوه بر کلیات مزبور قانون تجارت وظایف خاصی برای مدیران پیش بینی و مقرر داشته است که عدم اتیان بان ممکن است علاوه بر عزل مدیر و حق مطالبه خسارات از طرف متضرر موجب بطلان شرکت یا بطلان عملیات آن گردد.

بطوریکه مواد ۵۰ - ۵۳ - ۵۴ - ۵۵ - ۵۸ قانون تجارت مقرر میدارد مدیران شرکت باید وظایف ذیل را انجام دهند:

- ۱ - اعلام کتبی بدایر ثبت اسناد مرکز اصلی شرکت دائر به تمهد و تادیه وجه سرمایه از طرف شرکاء.
- ۲ - تسلیم نوشته حاکی از اسامی شرکاء و مقداری از سرمایه که پرداخته شده با يك نسخه از اساسنامه و یکی از نسختهای شرکت نامه بدایر ثبت اسناد ضمن اعلام کتبی فوق
- ۳ - تقدیم صورت دارائی و قروض شرکت در آخر هر شش ماه به مفتشین.
- ۴ - تهیه دفتر دارائی شرکت و تسلیم آن به مفتشین چهل روز قبل از انعقاد مجمع عمومی سالانه شرکت.
- ۵ - دعوت دارنده کان سهام برای انعقاد مجمع عمومی در صورتیکه نصف سرمایه شرکت در نتیجه ضرر از بین رفته باشد.
- ۶ - دعوت مجمع عمومی فوق العاده به تقاضای کتبی

مدیر های شرکت در مقابل شرکت با اشخاص ثالث برای تخلف از مقررات این قانون و تقصیراتی که در اعمال اداری مرتکب می شوند موافق قواعد عمومی مسئول میباشند مخصوصاً در مواقعی که منافع موهومی را تقسیم نمایند یا از تقسیم منافع موهومی جلوگیری نکنند.

چنانچه از کلیات قانون تجارت و مقررات مدنی مربوطه به امر وکالت استفاده می شود مسئولیت وکالتی مدیر در مقابل شرکت منحصر بموارد تقصیر است بنابراین اگر مدیر شرکت بدون تقصیر و قصد سوئی لیکن به تشخیص غلط اقدام بعملی نماید که برای شرکت موجب خسارات گردد مسئولیتی متوجه مدیر مزبور نخواهد بود.

اقدامات مدیر خارج از حدود اختیارات او و تعدی و تفریط مشار الیه از نقطه نظر شرکت تقصیر محسوب است و بنا بر این مسئولیت و جبران خسارت ناشیه از آن بعهده مدیر خواهد بود.

تشخیص تقصیر با اوضاع و احوال قضیه است و چه بسا ممکن است که غفلت و مسامحه در اقدام بعملی به تقصیر تعبیر گردد لذا مقتضی است که مدیران شرکتهای سهامی منتها درجه دقت را در حسن جبران امور اداری و تجارنی شرکت مبذول دارند.

در موارد تعدد مدیران در تشخیص توجه مسئولیت و حق مراجعه شرکت با آنها اشکالاتی ایجاد گردیده و بعضی را عقیده بر اصل تضامن است که مدیران در مقابل شرکت متضامناً مسئول خسارات ناشیه از تقصیرات خود میباشند.

عقیده مزبور قابل تقویت نیست زیرا اصل تضامن محتاج به نص صریح است که در این مورد دیده نمیشود و اشاره قانون تجارت بمسئولیت تضامنی مدیران و تقطیش در ماده ۸ حکم خاصی است مربوط ببطلان شرکت یا اعمال و تصمیمات آن و نمی توان آنرا حکم کلی فرض نمود تا تسری آن بسایر موارد جایز باشد.

در این قبیل موارد تعیین و تشخیص مقصر ضروری است زیرا مطابق مقررات کلی فقط مدیر مقصر مسئول

بلك یا چند نفر از دارندگان سهام که مجموع سهام آنها اقل معادل بلك خمس سرمایه شرکت و منظور خود را در تقاضا نامه تصریح نموده باشند.

۷ - تقدیم صورت سالانه از کلیه معاملاتی که با شرکت شده و مدیران با اجازه مجمع عمومی بطور مستقیم یا غیر مستقیم در آن معاملات سهیم بوده اند.

حدود مسئولیت مدیرهای شرکت

بطوریکه ماده ۴۸ قانون تجارت صراحت دارد مدیر یا مدیران نماینده شرکت میباشند و نظر بمغایرت شخصیت شرکت باشخصیت شرکاء بدیهی است که مدیر یا مدیران شرکت هیچگاه نماینده افراد شرکاء واقع نخواهند شد و اقدامات و عملیات مدیران همیشه برای مصالح شرکت است نه مصالح افراد شرکاء کما اینکه مدیران همیشه می توانند برای وصول مطالبات شرکت هر بلك از افراد شرکاء مدیون را مورد تعقیب قرار دهند. البته امر مزبور را نمی توان بصلاح و مصلحت شریک مدیون تصور نمود بنابراین مسئولیت مدیر یا مدیران از لحاظ نمایندگی آنها فقط در مقابل شرکت است و ماده ۵۱ که مقرر میدارد مسئولیت مدیر در مقابل شرکاء همان مسئولیتی است که وکیل در مقابل موکل دارد ایجاد مسئولیتی برای مدیر یا مدیران در مقابل غیر از شرکت نمی نماید زیرا با توجه بلفظ «شرکاء» که بجمع آمده است بدیهی است منظور قانون گذار ایجاد مسئولیت در مقابل مجموع آنها بوده نه در مقابل هر بلك نه بنحو افراد و چون باصراحت ماده و رعایت کلیات مربوطه تفسیر دیگری جایز نیست و در این مورد فقط شرکت مظهر مجموع حقوق شرکاء است علیهذا نمی توان مسئولیت مدیر یا مدیران را از لحاظ نمایندگی جز در مقابل شرکت در مقابل دیگری نیز تصور نمود.

تجدید مسئولیت مدیران بشرح فوق فقط از لحاظ سمت نمایندگی و مسئولیت وکالتی آنها است و امر مزبور رافع مسئولیت ناشی از تخلفات و تقصیرات آنها در مقابل اشخاص ثالث نخواهد بود کما آنکه ماده ۶۱ مقرر داشته است که

شرکت برای انعقاد مجمع عمومی تعیین شده است بعملی آید طبق ماده ۶۳ فوق الذکر مفتشین اختیار دارند در مواقعی که ضرورت فوری دارد مجمع عمومی شرکت را دعوت کنند.

علاوه بر مراتب فوق که قانون بان تصریح نموده اساننامه شرکت میتواند هرگونه اختیار دیگری بمفتشین برای تسهیل امر بازرسی آنها بدهد.

وظایف مفتشین شرکت

مفتشین شرکت باید گزارشی از کلیه اوضاع عمومی شرکت و هم چنین درباب بیلان و صورت حسابهاییکه مدیرها تقدیم میکنند بمجمع عمومی سالیانه تقدیم دارند.

گرچه مدیران شرکت طبق قانون تجارت مسئول صحت بیلان و صورت حسابهای شرکت میباشد معذک مفتشین باید آنها را بازرسی و تصدیق نمایند.

شرکاء حق دارند گزارش مذکور را رسیدگی نموده و یک نسخه از آن را دریافت دارند.

مفتشین در موقع تهیه گزارش خود باید مخصوصاً متوجه باشند که مطالب مهمه مربوط بامور شرکت بطور یقین مورد بازرسی قرار گرفته و دفاتر شرکت معرف اوضاع حقیقی اقتصادی شرکت باشد.

مفتشین شرکت جنبه مشاوره ندارند و دزد بگیر و مأمور آگاهی هم نیستند ولی هرگاه نسبت بامری کوچکترین سوء ظنی حاصل کنند نباید فقط بصحت جمع و تفریق ارقام مندرجه در صورت حساب و بیلان اکتفا نمایند بلکه باید بعد ا کمال کنجکاوی نموده تا اینکه اوضاع حقیقی اقتصادی شرکت کاملاً روشن گردد ضمناً مفتشین باید مراقبت نمایند که وجوه نقدین و وثائق شرکت در تصرف شرکت بوده بابه یکی از بانگهای معتبر تودیع شده باشد.

دست مزد مفتشین شرکت را مجمع عمومی تعیین و تصویب مینماید

حدود مسئولیت مفتشین

طبق ماده ۶۴ حدود مسئولیت مفتشین و اثرات آن

خواهد بود بنا براین اگر مثلاً در امری که موجب خسارات شرکت گردیده و تقصیر محسوب است یکی از مدیران جدا مخالفت نموده و مداخله در آن نداشته حتی برای جلوگیری از آن نیز اقداماتی نموده باشد نمی توان مشارالیه را مسئول خسارات وارده دانست چه تقصیری متوجه او نبوده تا طبق صریح قانون مسئولیتی داشته باشد در صورت تعدد مقصرین شرکت میتواند برای جبران خسارت بهریک مراجعه کند نه از باب نضامن بلکه باین مناسبت که کلیه خسارات وارده ناشی از تقصیر افرادی هر یک از مدیران مقصر است نه از مجموع تقصیر آنها.

هرگاه شرکت خسارت وارده را از یکی از مدیران مقصر وصول نموده باشد مشارالیه طبق مستفاد از کلیات حق مراجعه بسایر مدیران مقصر علی قدر سهمم خواهد داشت.

۱ - مفتشین - اختیارات و وظایف و حدود

مسئولیت آنها

بطوریکه ماده ۶۲ قانون تجارت مقرر داشته است مفتشین شرکت از طرف مجمع عمومی انتخاب و تعیین میشوند و در صورتیکه مجمع عمومی آنها را تعیین ننموده باشد با آنکه در صورت تعیین از انجام وظیفه ممتنع باشند یا عدم لیاقت آنها مسلم شود محکمه بدایت مرکز اصلی شرکت بتقاضای هر ذیحقی و پس از احضار مدیران شرکت مفتشین شرکت را انتخاب و یا بجای آنها مفتشین جدیدی تعیین مینماید.

مفتشین ممکن است یک یا چند نفر باشند ولو اینکه انتخاب آنها از بین شرکاء عرفاً پسندیده و مرسوم نیست معذک منع قانونی ندارد و حتی از عبارت قانون چنین بنظر میرسد که انتخاب از بین شرکاء مرجح است و با وجود سکوت قانون قطعاً مفتشین نباید از بین مدیران شرکت انتخاب شود.

اختیارات مفتشین

مفتشین شرکت حق دارند بکلیه دفاتر شرکت مراجعه نموده و از مدیران توضیحات لازمه مربوطه بامور شرکت را استطلاع نمایند و بطوریکه ماده ۶۳ مقرر داشته است مراجعه مزبور در ظرف سه ماه قبل از تاریخ که بموجب اساننامه

همان است که راجع بحدود مسئولیت و کلاء و اثرات آن در مقابل موکلین قانوناً معین است. مسئولیت مزبور در مقابل شرکت و شرکاء است زیرا سمت مفتشین در واقع نمایندگی و وکالت از طرف شرکاء است در رسیدگی و بازرسی اوضاع اقتصادی شرکت بنا بر این در صورت تخلف و تقصیر هر یک از شرکاء میتواند آنها را مورد تعقیب قرار دهد - مسئولیت آنها در مقابل شرکت و شرکاء تضامنی نبوده و بنحوی است که دربارهٔ مدیران مذکور افتاد.

مدت انتخاب مفتشین

مدت خدمت مفتشین که توسط اولین مجمع عمومی شرکت انتخاب میشوند بموجب ماده ۴۶ قانون تجارت منتهی برای یکسال است ولی در هر صورت امر مزبور تابع مقررات اساسنامه یا تصمیمات مجمع عمومی شرکت خواهد بود. تجدید انتخاب مفتشین منع قانونی ندارد و اشخاص مزبور در صورت قصور و تخلف از انجام وظایف یا عدم لیاقت و سوء نیت قابل عزل میباشند.

ز - مجامع شرکت

در کلیه مواردیکه اظهار نظر ورأی شرکت ضروری بوده و رأی و نظر مزبور قبلاً در اساسنامه یا شرکت نامه تصریح نشده باشد مجامع مختلفی بر حسب نوع موضوع مورد رأی بموجب مقررات قانون تجارت و اساسنامه شرکت از کسانیکه حق ورود و رأی در مجامع مزبور را دارند تشکیل میگردد تا امری که نسبت بآن اتخاذ تصمیم ضروری است مورد شور و مباحثه قرار گرفته و بنحویکه در قانون و اساسنامه مقرر است نسبت بآن اتخاذ تصمیم گردیده و رأی داده شود.

مجامع مزبور بر سه قسم است:

- ۱ - مجمع عمومی قانونی
- ۲ - مجمع عمومی معمولی یا سالیانه
- ۳ - مجمع عمومی فوق العاده

مجمع عمومی قانونی

مجمع مزبور عبارت از مجمع عمومی است که

انعقاد آن بامر صریح قانون است و طبق ماده ۴۰ قانون تجارت موسسین باید پس از نوشته که حاکی از تعهدات پرداخت سرمایه شرکت و تأدیه واقعی ثلث سرمایه نقدی است مجمع عمومی شرکت را دعوت نمایند.

نظر باینکه قانون ضرب الاجلی برای دعوت اولین مجمع عمومی تعیین ننموده است چنین بنظر میرسد که پس از تنظیم نوشته فوق الذکر حلول اجل برای دعوت و انعقاد مجمع عمومی فوری باشد و اگر موسسین مسامحه در تهیه نوشته مذکور و دعوت مجمع عمومی بعمل آورند ظاهراً مسئول خسارات ناشیه از این عمل در مقابل تعهد کنندگان سهام و کلیه اشخاص که مقرر شده اند خواهند بود و سیله دعوت به مجامع شرکت بطوریکه از مضمون قانون استفاده میشود انتشار اعلان در جراید است بنابراین کسانیکه حق حضور در مجامع عمومی دارند نمی توانند تقاضا کنند که اختاریه جدا گانه برای آنها ارسال شود زیرا قانون چنین حقی را برای آنها منظور نداشته است.

مجمع عمومی معمولی یا سالیانه - طبق ماده ۶۵ قانون تجارت لااقل سالی یکدفعه در موقعی که بموجب اساسنامه مقرر است مجمع عمومی منعقد میشود.

مجمع عمومی مزبور نظر باینکه همه ساله مرتباً در تاریخ معین تشکیل میگردد که بامور سالیانه شرکت رسیدگی و تصمیمات لازمه اتخاذ کند موسوم است بمجمع عمومی معمولی یا سالیانه.

مجمع عمومی فوق العاده

هرگاه پس از فرا رسیدن موعد انعقاد مجمع عمومی سالیانه موجباتی فراهم شود بمجمع عمومی فوق العاده دعوت و تشکیل میگردد مثل مجامع عمومی که تحت اختیارات مفتشین در مواقع ضروری دعوت و تشکیل یا مجامع عمومی مخصوصی که طبق ماده ۸۶ برای رفع موجبات بطلان منعقد می شوند.